

این کتاب ترجمه و تصحیح شده است  
The End of the Cold War  
David Pion-Berlin  
Lucent Books, 1997

# تاریخ بلوک شرق

دیوید پیترز

ترجمه مهدی حقیقت خواه



## فهرست

- ۶ ..... رویدادهای مهم در تاریخ بلوک شرق
- ۹ ..... پیشگفتار: پیشینهٔ بدگمانی
- ۱۳ ..... ۱. برقراری کمونیسم در اروپای شرقی
- ۳۱ ..... ۲. زندگی روزمره در نظام کمونیستی
- ۴۵ ..... ۳. نخستین نشانه‌های شورش
- ۵۹ ..... ۴. لهستان: شکست همبستگی
- ۷۱ ..... ۵. روی کار آمدن میخائیل گورباچف
- ۸۵ ..... ۶. لهستان: پیروزی همبستگی، مجارستان: سوسیالیسم گولاش
- ۹۹ ..... ۷. بقیهٔ بلوک فرو می‌ریزد
- ۱۱۳ ..... ۸. فروپاشی اتحاد شوروی
- ۱۲۷ ..... ۹. پس از گورباچف: یلتسین و دولت‌های پس از کمونیسم در اروپای شرقی
- ۱۴۷ ..... یادداشت‌ها
- ۱۵۳ ..... واژه‌نامه
- ۱۵۷ ..... برای کندوکاو بیشتر
- ۱۵۹ ..... آثار مرجع
- ۱۶۴ ..... نمایه

### پیشینه بدگمانی

از ۱۹۱۷ به بعد بیش از هفت دهه بین دولت کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و جهان غیرکمونیست بدگمانی و رقابت وجود داشت. کمونیست‌ها اعتقاد داشتند که نظامشان سرانجام سرمایه‌داری را از بین خواهد برد و جایگزین آن خواهد شد. نیکیتا خروشچف، رهبر شوروی، تهدید می‌کرد که «ما شما را دفن خواهیم کرد.» از آن‌جا که این دشمنی بر سیاست شوروی حکمفرما بود، ایالات متحده و متحدینش



نیکیتا خروشچف دشمنی بین ایالات متحده و اتحاد شوروی را چنین خلاصه کرد: «ما شما را دفن خواهیم کرد.»

می‌کوشیدند جلوی پیشروی شوروی را سد کنند و این سیاست خود را تحدید نفوذ می‌نامیدند، که دیپلماسی، کمک خارجی و گاهی برخورد مسلحانه را دربرمی‌گرفت. از کره تا ویتنام و تا خلیج خوک‌ها در کوبا، جنگ سرد گاه به گاه به جنگ گرم تبدیل می‌شد. هزاران موشک هسته‌ای آماده بودند تا در صورت رسیدن دستور از کاخ سفید یا کرملین تمام زندگی انسانی را در روی زمین نابود سازند. خطر جنگ هسته‌ای مثل شمشیری عظیم بر فراز سیاره ما آویخته بود. خطر به راستی بسیار جدی بود.

اما تاریخ جنگ سرد را نمی‌توان

حزب کمونیست شوروی، متوجه شد که کمونیسم دیگر کارآمد نیست. می دانست که برای بقای آن لازم است تغییراتی صورت گیرد. گورباچف برای گشودن فضای اتحاد شوروی سیاست‌های گلاسنوست (گشایش) و پرسترویکا (بازسازی) را آغاز کرد. او وعده داد که رکود، فساد، و ناکارآمدی را ریشه کن سازد.

اما با انجام این کار ناخواسته چند دهه کینه و رنجش فروخورده شهروندان اروپای شرقی را، که در آرزوی آزادی و زندگی بهتر بودند، برملا کرد.

کمونیسم به کارگران وعده بهشت داده بود، اما به این وعده وفا نکرد. در شرایط کمونیسم، سطح زندگی از سطح زندگی در غرب سرمایه‌داری بسیار عقب ماند. کالاهای و خدمات کمیاب بود. مسکن ناکافی و بدساخت بود. مراقبت پزشکی رایگان اما ناکافی بود. مردم اروپای شرقی خواستار تحول کامل در نحوه اداره کشورهای خود بودند.

### گسست

در ۱۹۸۹ کشورهای اروپای شرقی یکی پس از دیگری از فرمانروایی شوروی گسستند. آلمان شرقی، چکسلواکی، رومانی، و بلغارستان همگی شاهد بودند که رؤیای استقلال واقعی به حقیقت پیوست. کشورهای حوزه بالتیک (لتونی، لیتوانی، و استونی) جدا شدند. در ۱۹۹۱ کسانی که مخالف اصلاحات گورباچف بودند علیه او دست به کودتا زدند. این کودتا نه تنها با شکست کامل روبرو شد، بلکه باعث شد نه تنها توطئه‌گران زندانی شوند بلکه حزب کمونیست و خود اتحاد شوروی به کلی از صحنه خارج شود.

بوریس یلتسین اصلاح طلب زمام روسیه را به دست گرفت. کشورهای تازه‌ای چون اوکراین، گرجستان، بلاروس، ارمنستان، و آذربایجان شکل گرفتند. آینده برای کسانی که مدت‌های مدید رنج برده بودند روشن به نظر می‌رسید.

متأسفانه مشکلات اقتصادی ادامه یافت. با شروع اصلاحات اساسی در عرصه اقتصادی، سطح زندگی عملاً افول کرد. کینه‌های قدیمی قومی از نو سر برآورد. اقلیت‌های قومی یوگسلاوی، گرجستان، ارمنستان، مولداوی، و آذربایجان درگیر نبردهای خونین شدند. به همراه این درگیری‌ها این نگرانی پدید آمد که بر سر جنگ‌افزارهای هسته‌ای مستقر در مکان‌هایی چون اوکراین و بلاروس ممکن است چه بیاید.

در برخی کشورها، نظیر لهستان و لیتوانی، کمونیست‌های سابق باز هم در رأس دولت قرار گرفتند. در روسیه، کمونیست‌های سابق و ملی‌گرایان افراطی خود را برطرف‌کننده مشکلات کشورشان معرفی کردند. کودتاچیان از زندان آزاد شدند.



نفوذ اتحاد شوروی بر امور بین‌المللی با سرعتی سرسام‌آور رو به افول گذاشت و جهان را شگفت‌زده کرد. یک مجسمه لنین در اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ به زیر کشیده شده است.

تنها در سیاست خارجی، موشک‌ها، یا عملیات نظامی خلاصه کرد. کمونیسم شوروی، تا زمانی که وجود داشت، فناپذیر به نظر می‌رسید. هر زمان که یک کشور اقماری شوروی می‌خواست جدا شود، تانک‌های شوروی وارد می‌شدند و شورش را درهم می‌شکستند. در خود اتحاد شوروی، مخالفت سازمان‌یافته ناممکن به نظر می‌رسید. حزب کمونیست تقریباً همه عرصه‌های زندگی، از جمله هنرها، را کنترل می‌کرد. گیلبرت سلدس از خروشچف نقل می‌کند که اعلام داشت: «یکی از اصول اساسی ما این است که ادبیات و هنر شوروی باید پیوند گسست‌ناپذیری با سیاست‌های حزب کمونیست داشته باشد.»<sup>۱</sup> اتحاد شوروی نخستین دولت مدرن تمامیت‌خواه بود و دولت‌های تمامیت‌خواهی را که بعداً در آلمان نازی و ایتالای فاشیست برپا شد پشت سر گذاشت. پایان کمونیسم - بجز در یک قتل عام هسته‌ای، که تمام تمدن را نابود می‌کرد - تقریباً تصورناپذیر به نظر می‌رسید.

با این حال در دهه ۱۹۸۰ نظام شوروی به کلی از هم پاشید. شگفت آن‌که این اتفاق با تلفات جانی نسبتاً اندکی رخ داد؛ حتی شگفت‌انگیزتر این‌که تغییرات نه از طرف ستم‌پذیرترین اعضای جامعه، بلکه از رأس صورت پذیرفت. میخائیل گورباچف، دبیر کل